

نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین

سعید بهشتی[□]

مسعود قریب^{□□}

چکیده

در فرهنگ اسلامی، دعا و راز و نیاز با خداوند از اهم واجبات و مورد تاکید فراوان می باشد. پژوهشگران در این پژوهش که از نوع «بنیادی» و «نظری» است ابتدا به مفهوم دعا می پردازد و آن را «خواندن همراه با خواست و طلب» می دانند. سپس ضرورت دعا را مورد مذاقه قرار داده و در گام سوم، مراتب دعا را بیان می دارد. در مرحله بعد نقش دعا در تربیت انسان از چهار جنبه مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر حاصل شده است: از جنبه اخلاقی؛ دعا کننده باید توجه خود را از غیر خدا قطع نموده، خلوص نیت را لحاظ کند و همچنین از رذائل اخلاقی مبری و به صفات پسندیده الهی آراسته گردد.

□ دانشیار و مدیر گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

□□ کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

از بعد اجتماعی؛ دعا کننده برای تسریع در اجابت دعا باید اولاً، دعای بر دیگران را بر حاجت خود مقدم دارد. ثانیاً، به دعای جمعی و گروهی همت گمارد.

از جنبه عاطفی؛ دعا کننده باید احساسات خود را به خداوند، پیامبر و اهل بیت او (صلوات الله علیهم اجمعین) ابراز نموده و نیز از استغفار نسبت به معاصی خود غفلت نرزد.

و از جنبه جسمانی؛ انسان دین دار باید بهترین کلید حل امراض جسمانی و روانی و رفع اضطراب های زندگی را در راز و نیاز با پروردگار و «دعا درمانی» بدانند.

واژگان کلیدی: قرآن، معصومین، دعا، تربیت، اجابت.

مقدمه

دعا، بزرگ ترین لطف الهی بر بنده است. دعا، سرچشمه خیرات و توجهات حضرت حق بر آدمیان است. دعا، «مغز عبادت» و «لباس افتخار» پارسایان در دنیا و دلباختگان آخرت است. دعا، جوشش درون انسان است که بر قلب و زبانش جاری می شود و با آن می توان جهانی را دگرگون ساخت. دعا، قفل های بسته را باز می کند و بر هر درد بی درمان طبابت می کند. باید اذعان نمود که باشکوه ترین حالت انسان، در لحظه دعا و نیایش به منصفه ظهور می رسد. زمانی که او خاضعانه و خاشعانه در محضر معبود خود اظهار عجز و ناتوانی می کند و از او یاری می طلبد. او بدین طریق از همه تعلقات مادی و دنیوی رها می شود و تنها به «او» می اندیشد و با «او» سخن می گوید. او مسبب الاسباب عالم را فقط «او» دانسته و از همه می بُرد تا تنها به خالق خود پیوند یابد. دعا، نقطه اتصال روح جویای حقیقت است به مبدأ و حقیقت آفرینش. آدمی با دعا، راهی به سوی معشوق خود می یابد؛ معشوق راستین جهان... او به آرزوی اجابت خواهش و

تمنای خود دست نیاز به سمت محبوب دراز می‌کند و در آستان او سر به سجده می‌نهد و «خودیت» خود را به کناری می‌نهد تا به «الوهیت» برسد و اینجاست که اوج بندگی جلوه‌گر می‌شود. دعا، یک آغاز است. آغازی که فرجامش اجابت است. دعا، یک حرکت است، حرکتی به سوی نور و روشنایی... حرکتی که باید از طرف بنده آغاز شود تا شایسته عنایت و بذل توجه رب خویش قرار گیرد و... آن‌گاه لحظه استجابت فرا می‌رسد.

بیان مسئله

کتاب‌های فراوانی در زمینه دعا، نیایش و راز و نیاز با خداوند نگاشته شده که متأسفانه پراکندگی مطالب و عدم دسته‌بندی صحیح علمی و تکرار مکررات در آنها بی‌شمار می‌باشد. علاوه بر این جای تعجب است که با وجود منابع غنی روایی و نیز آیات متعدد قرآن در باب دعا، نشریات پژوهشی کشور به این مقوله سرنوشت ساز در زندگی انسان، توجهی جدی ننموده‌اند. در حالی که دعا، چون درخت تناوری است که ریشه‌های آن ایمان، اخلاص، معنویت، دوری از معاصی، ابراز احساسات ناب انسانی و... می‌باشد و فرد دعاکننده برای رساندن دعای خویش به مرحله استجابت باید به شرایط ایمانی خاصی برسد که این شرایط خاص، اسباب رشد و تعالی وی را فراهم می‌نماید و در تربیت او نقش بسزایی را بازی می‌کند.

با این اوصاف پژوهشی که به موضوع «دعا» از منظر آیات و روایات، آن هم با نگاه تربیتی پرداخته باشد و در ضمن از کلی گویی و پرنویسی مصون و به متون دینی به صورت همه‌جانبه نگریسته باشد انجام نشده بود، و نیاز به آن به شدت احساس می‌شد.

بنابراین مسئله تحقیق حاضر عبارتست از:
«نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین چیست؟»

یافته‌های تحقیق

۱- مفهوم دعا از دیدگاه قرآن و کلام معصومین چیست؟

در مفهوم دعا می‌توان گفت که دعا یعنی «پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌ها» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۶۴۳) و این پیوند باید براساس یک نوع خودآگاهی و بیداری اندیشه و دل باشد. یعنی اول انسان از غفلت خارج شود تا آنگاه به مرتبه دعای حقیقی برسد. لذا در سخنان امیرالمؤمنین علی می‌خوانیم:

«لا یقبل الله عزوجل دعاء قلب لاه»؛ «خداوند دعای غافل دلان را مستجاب نمی‌کند.» (همان)

در روایتی از پیامبر اسلام منقول است که: «دعا، مغز عبادت است.»^۱ (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۹۳، ص ۳۰۰) و به فرموده امام باقر: «بهترین عبادت، دعا است.»^۱ (ص ۱۵) پس روح هر عبادتی دعا و راز و نیاز با خداوند است. در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنانچه در مورد حقیقت دعا باید گفت که آن «خواستن چیزی است بوسیله موجود پست‌تر، از موجود برتر، به جهت فروتنی و درماندگی.» (ملکی تبریزی، ترجمه تحریرچی، ۱۳۶۲: ص ۱۳۹) و درخصوص خداوند کلمه موجود برتر نفی شده و واژه «وجود برتر» مطرح می‌شود.

۱. الدعاء مخ العباده

امام صادق در مصباح الشریعه (ترجمه مصطفوی، ۱۳۸۲: ص ۹۹) می‌فرماید:
و حقیقت دعا این است که: تمام اعضاء و جوارح با تو موافق و هم‌آواز شده و همه در مقابل حق تعالی طلب حاجت و درخواست مطلب کنند، و قلب در مشاهده و حضور پروردگار متعال فانی گشته، و تمام اختیار در مقابل عظمت و حکومت او سلب شده، و همهٔ امور خود را در ظاهر و باطن به خداوند متعال تسلیم و واگذار کند.

معانی دعا (و صیغه‌های آن در قرآن)

دعا در قرآن در معانی مختلفی آمده است. اما محور همهٔ این معانی «خواندن» است؛ البته خواندنی که با خواست و طلب همراه است. (برازش، ۱۳۷۴)
در ذیل معانی دعا و صیغه‌های آن را در قرآن با مثال‌هایی ذکر می‌کنیم:
(خرمشاهی، ۱۳۸۱)

۱. خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند:

مثال: { (بقره/۱۸۶)

دعوت درخواست‌کننده را، هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم.

نمونه‌های دیگر: آل عمران، ۳۸/ اعراف، ۱۸۹/ یونس، ۱۰ و ۱۲ و ۸۹/ فرقان، ۷۷/ نمل، ۶۲/ زمر، ۴۹/ غافر، ۶۰/ فصلت، ۵۱/ قمر، ۱۰ و ...

۲. ندا دادن، صدا زدن:

مثال: { ... (نور/۶۳)

(ای مؤمنان) شما دعای رسول و ندا کردن او را مانند ندای بین یکدیگر قرار مدهید.

نمونه‌های دیگر: بقره، ۱۷۱/ آل عمران، ۱۵۳/ نمل، ۸۰/ روم، ۲۵/ قصص، ۶۴/ احقاف، ۵ و ...

۳. دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، فراخواندن:

مثال: { ... } (یونس/۲۵)

و خدا همهٔ خلق را به سرمنزل سعادت و سلامتی دعوت می‌کند.

نمونه‌های دیگر: بقره، ۲۸۲/ انفال، ۲۴/ هود، ۶۲/ یوسف، ۱۰۸/ رعد، ۳۶/

ابراهیم، ۹ و ۲۲/ و ...

۴. استغاثه، یاری خواستن:

مثال: { (بقره/۲۳) }

از یارانتان غیر از خدا، کمک بخواهید.

نمونه‌های دیگر: انعام، ۴۰ و ۴۱/ اعراف، ۱۹۷/ یونس، ۲۲/ رعد، ۱۴/ اسراء،

۶۷/ عنکبوت، ۶۵/ فاطر، ۱۸.

۵. قرار دادن، قائل شدن:

{ (مریم/ ۹۱) }

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند!

۶. درخواست کردن، پرسیدن:

مثال: { (بقره/۶۹) }

قوم موسی گفتند از خدا برای ما چگونگی رنگ آن گاو را بپرس.

نمونه‌های دیگر: بقره، ۶۱ و ۶۸ و ۷۰.

۷. عبادت کردن، پرستیدن:

مثال: { (کهف/۱۴) }

ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدائی نمی‌خوانیم.

نمونه‌های دیگر: انعام، ۵۶/ اعراف، ۳۷ و ۱۹۴/ مریم، ۴۸/ حج، ۷۳/ قصص،

۸۸/ صافات، ۱۲۵/ زمر، ۳۸/

۸. فریاد زدن از روی حسرت و اندوه:

مثال: { (انبیا/۱۵)

و پیوسته همین گفتار (حسرت و ندامت) بر زبانشان بود تا آن که ما همه را طعمه شمشیر مرگ و هلاکت ساختیم.

۹. خواندن، نامیدن:

مثال: { ...

(اسرا/۱۱۰)

بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، برای او بهترین نام‌هاست! نمونه دیگر: احزاب، ۵.

۱۰. فرمان دادن، امر کردن (به صیغه مجهول):

مثال: { ... (محمد/۳۸)

آری شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شدید. نمونه‌های دیگر: قلم، ۴۲ و ۴۳.

۱۱. در باب افتعال به معنی: خواستن، طلبیدن:

مثال: { (فصلت/۳۱)

و هر چه طلب کنید به شما داده می‌شود.

نمونه دیگر: ملک، ۲۷.

۱۲. به معنای ادّعا، ماحصل گفتار:

مثال: { (اعراف/۵)

پس در هنگامی که عذاب ما به آنان رسید جز این دعوی نکردند که ما خود ستمکار و مستحق عذاب بودیم.

۱۳. به لفظ «دَعَى» به معنی: «پسرخوانده» که جمع آن «أدعیاء» است:

مثال: { (احزاب/۴)

و فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است.

نمونه دیگر: احزاب، ۳۷

۲- ضرورت دعا از دیدگاه قرآن و کلام معصومین چیست؟

دعا و راز و نیاز با پروردگار یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین وظایف انسان است. توجه به مرکزی که نقطه ثقل جهان است و همه بودها و هستی‌ها از اوست لازمه زندگی بشر است. دعا و نیایش، آن گوهر گرانقدری است که در کف آدمی قرار داده‌اند که با آن به صف ملائکه و عرشیان وارد شود و بلکه از آنها سبقت گیرد. از اهمیت و ضرورت دعا و سوال همین بس که خداوند در حدیثی قدسی خطاب به حضرت موسی می‌فرماید:

«ای موسی، از من مانند کسی سوال کن که خود را به وی نیازمند می‌دانی. حتی علف گوسفندان و نمک خمیرت را از من بخواه.» (حر عاملی، ترجمه کاظمی خلخالی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۶)

این چه ارزش والایی است که در دعا نهفته که حتی کوچک‌ترین و به ظاهر کم‌ارزش‌ترین چیزها را نیز باید از خداوند بخواهیم. با کمی دقت به حدیث قدسی مذکور درمی‌یابیم که راز مطلب در «نیاز» و احساس تعلق به ذات باریتعالی نهفته است. نیاز به مولا... نیاز بنده به خالق... و نیاز «هیچ» به «همه چیز». و مگر خداوند همه چیز عالم نیست؟!... و اصولاً خداوند از فروتنی و خاکساری بندگان به فرشتگان خود فخرفروشی می‌کند و آنانی را که خاشعانه و خاضعانه به درگاه کبرایش دست نیاز بلند می‌کنند به مقام رفیع بندگی نائل می‌گرداند. باز در حدیث قدسی دیگری می‌خوانیم که:

«ای موسی، من هرگز از بندگانم غافل نیستم. ولی دوست دارم که ملائکه من صدای ناله دعای بندگانم را بشنوند و حافظان من (ملائکه محافظ بندگان) به میزان تقرب بندگان من آگاه شوند.» (صص ۱۴۸-۱۴۷)

حال با این توضیح اولیه به سراغ ۲ روایت از معصومین می‌رویم و ضرورت دعا را از دیدگاه ایشان بررسی می‌کنیم.

امام صادق می‌فرمایند:

«زیاد دعا کنید زیرا دعا کردن کلید رحمت‌های الهی و موجب برآمدن حاجت‌هاست و جز بوسیله دعا به چیزهایی که نزد خدا است نمی‌توان نائل شد و هر دری را که زیاد بکوبی بالاخره باز می‌شود.» (طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۵)

دعا کردن در جلب رحمت الهی نقش بسزایی دارد. چنانچه از پیامبر اسلام روایت است: «هر کس در دعا به رویش باز شود درهای رحمت به رویش گشوده شده. و در روایت دیگری «درهای بهشت» نقل کرده است.» (ص ۵۶)

با نگاه به قرآن کریم نیز ضرورت دعا آشکار می‌شود. برای نمونه؛ «وقال ربکم ادعونی أستجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین.» (غافر/ ۶۰)

«و خدای شما فرمود که مرا با (خلوص دل) بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی کنند به زودی با ذلت و خواری در دوزخ شوند.»

در این آیه اولاً، قطعیت استجابت دعای خالصانه تأکید شده و ثانیاً، کسانی که این ضروری دین را - که در اصل همان عبادت خداوند است^۲ - انکار نموده یا از آن اعراض نمایند به آتش جهنم بشارت داده است.

و دعا آنچنان مقام و ارزشی در نزد خداوند دارد که در آیات و روایات از حضرات ابراهیم و علی به عنوان افرادی «اَوَّاه» و «دَعَا» نام برده شده است. امام باقر به زراره درخصوص آیه ۱۱۴ سوره توبه؛ { یعنی «راستی که ابراهیم بسیار آه کش و بردبار بود» فرمود: «الأَوَّاهُ هُوَ الدَّعَاءُ»: اوَّاه هم همان دَعَاءُ است (یعنی بسیار به درگاه خدا دعا می‌کرد). (مجلسی، بی تا: ج ۱۲، ص ۱۲) و امام صادق نیز امیرالمؤمنین را به همین صفت وصف کرده‌اند: «قال: و كان أمير المؤمنين رجلاً دعاً» (فرمود: امیرالمؤمنین [مردی] بسیار دعا کننده بود.) (ص ۱۹) و امام باقر در تأکید بر ضرورت و ارزش دعا می‌فرماید: «لا تمل من الدعا فانه من الله بمكان»: «از دعا خسته مشو، چون نزد خدا ارزش دارد.» (ابن فهد، ترجمه غفاری ساروی، ۱۳۷۵: ص ۲۸) باتوجه به آیات و روایات فوق‌الذکر می‌توانیم ضرورت دعا را در آثار مادی و معنوی آن جستجو کنیم. آثاری چون:

۱. درمان دردها ۲. سبب برآمدن حاجات ۳. گشایش درهای بهشت ۴. بسته شدن درهای جهنم ۵. نزدیکی و تقرب الهی ۶. کلید رهایی از مشکلات ۷. سبب رستگاری و فلاح ۸. بهترین سلاح (برای تهاجم و دفاع) ۹. کلید رحمت الهی (و توجه خداوند به انسان)

۳- مراتب دعا از دیدگاه قرآن و کلام معصومین چیست؟

دعا را مراتبی است. آیه الله جوادی آملی (۱۳۸۵) در تفسیر خود از درجات دعا، معتقدند که دعا سه درجه دارد:

الف) دعا به زبان استعداد ب) دعا به زبان حال ج) دعا به زبان مقال

در نوع اول؛ اگر موجودی دارای استعداد خاصی در دریافت کمال و فیض داشته باشد خداوند نسبت به او بخل و امساک نمی‌ورزد و او را به مقصدی می‌رساند. (} طه/۵۰)

«درباره این قسم از دعا چنین آمده است که همه آنچه در آسمانها و زمین‌اند، خدا را می‌خوانند: (یسئله من فی السموات و الارض)؛ نیز چنین آمده است که هر چه خواستید گرفتید: (وءاتیکم من کل سالتموه)، یعنی هر چه را به لسان استعدادخواستید به شما داد، و گر نه خداوند بسیاری از ادعیه به لسان مقال را که با استعداد همراه نیست رد می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۹، صص ۴۰۶-۴۰۵) امام خمینی در شرح دعای سحر (ترجمه فهری، ۱۳۷۶: صص ۳۹-۳۸) در بیان این درجه از دعا می‌نویسند:

سؤال اگر به زبان استعداد شد دست رد به سینه سائل نمی‌خورد و دعایش پذیرفته و مستجاب خواهد شد، زیرا فاعل و کسی که خواسته را انجام می‌دهد تمام و فوق تمام است و فیض آن حضرت، کامل و فوق کمال است و اگر فیض، ظهور ندارد و افاضه نمی‌شود از ناحیه نقصان استعداد است. پس اگر پذیرنده، استعداد پذیرش فیض را داشته باشد فیض الهی از خزینه‌هایی که پایان ندارد و کمبودی در آنها ایجاد نمی‌شود و از معادن فیضی که غیر متناهی است و نقصان‌پذیر نیست، بر او افاضه خواهد شد.

در نوع دوم؛ این قسم نازل‌تر از لسان استعداد است و اینگونه می‌باشد که در برخی اوقات حالت خضوعی به انسان دست می‌دهد که قلبش با خلوص متوجه خدا می‌شود و در این حالت دعایش به استجاب می‌رسد. این نوع، حالت مقطعی و گذرا دارد اما در همان مقطع که حالت خضوع، درخواست، التجا و مانند آن بوجود می‌آید دعای شخص مستجاب می‌گردد.

در نوع سوم؛ با اینکه این گونه دعا کردن هم جنبه عبادی دارد اما در تأثیر مانند

دو قسم قبل نیست و دعا به زبان استعداد و حال به مراتب بالاتر از این نوع است. پس انسان باید تلاش کند که زبان استعداد و حال پیدا کند به گونه‌ای که اگر آه کشید مؤثر واقع شود والا بسیاری هستند که فقط با زبان مقال با خداوند گفتگو می‌کنند و از استعداد و حال در آنها خبری نیست و این گونه دعا کردن در سطح نازلی قرار دارد. در این خصوص به حدیثی از پیامبر اشاره می‌نمایم که به ابوذر فرمود: «اگر انسان جزو ابرار شد، دعای به زبان مقال، به اندازه نمک طعام کافی است.» (همان)

مراتب دعا بر اساس روایات

با بررسی روایات می‌توانیم مراتب دعا را بصورت ذیل رتبه‌بندی کنیم:

- ۱- رفع حوائج مادی (دستیابی به نعم الهی) ۲- دفع مشکلات و بلاهای دنیوی
- ۳- دفع عذاب‌های اخروی (مغفرت و آمرزش الهی) ۴- اجابت نیاز فطری

درونی انسان به محبوب

۴- نقش دعا در تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن و کلام معصومین

قبل از آنکه به نقش دعا در تربیت اخلاقی انسان بپردازیم بهتر است که تربیت اخلاقی را تعریف نماییم. برخی تربیت اخلاقی را «مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی به منظور از میان بردن صفات‌های رذیلت و ایجاد صفات‌های فضیلت» می‌دانند. (داودی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۹)

اما بعضی دیگر تعاریف دیگری از تربیت اخلاقی ارائه نموده‌اند. برای مثال به تعریف ذیل توجه نمایید:

تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی، به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی

برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۴۸، به نقل: داودی، پیشین، ص ۹)

یالجن (۱۴۰۶ق: ۳۰۹-۲۹۶ به نقل: داودی، پیشین، ۱۰) نیز معتقد است: «تربیت اخلاقی اسلامی عبارت است از پرورش کودک بر اساس اصول اخلاقی از راه ایجاد احساس و بصیرت اخلاقی به گونه‌ای که پذیرای خوبی‌ها و طرد کننده بدی‌ها باشد.»

باتوجه به تعاریف فوق و بررسی آیات و روایات می‌توانیم تربیت اخلاقی را دارای سه جنبه بدانیم:

۱. شرم از حضرت حق (شرم حضور) ۲. دوری از رذائل و صفات ناپسند
۳. کسب فضائل و صفات مطلوب

در اینجا به توضیح هر کدام پرداخته، شواهدی از متون دینی ارائه می‌نماییم.

شرم از حضرت حق (شرم حضور)

شرم یا حیا از خداوند یکی از صفات نیک انسانی است که از آثار و شئون ایمان به خداوند است. انسان مؤمن چون همیشه خداوند را ناظر بر اعمال خویش می‌بیند شرم می‌کند که در حضور مولایش به کار زشت و ناپسندی دست بزند.

روایات متعددی در خصوص شرم از حضور پروردگار وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

پیامبر اسلام فرمودند:

«از خدا شرم کنید، آنگونه که شایسته است.» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۱۵۹)

و نیز فرموده‌اند:

«از خدا شرم کن! زیرا او به تو نزدیک است.» (همان)

با این اوصاف انسانی که به دعا دست می‌زند قبل از آن باید دست از گناه و عصیان الهی بکشد و شرم حضور نگه دارد تا به مرحله استجابت دعا ورود یابد هرچند که خداوند سخی‌تر از آن است که حتی انسان معصیت کار و بی‌حیا را هم از درگاه خویش براند. و شرم از حضرت حق در دعا به دو نتیجه منتهی می‌شود:

الف) دوری از غیر و خلوص نیت در دعا ب) دست نیاز به سوی پروردگار بی‌نیاز

دوری از رذائل و صفات ناپسند

یکی از وظایف انسان مؤمن و اهل دعا دوری از کارهای ناپسند و رذیلت‌های اخلاقی است. صفاتی که باعث خشم و ناخشنودی پروردگار گشته و به نام «گناه» و «معصیت» در دین نام‌گذاری شده است. در دعاهای وارده از معصومین هم به طلب مغفرت نسبت به گناهان و معاصی اشارات فراوان شده است. گناهایی که سبب حبس دعا و عدم صعود آن به آسمان‌ها شده و لاجرم از استجابت محروم می‌شود. در دعای کمیل علی می‌فرماید:

«اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تحبس الدعاء»

«بارخدا یا بیامرز برایم گناهایی که جلوگیری از دعاها» (قمی، ۱۳۸۲: ۱۱۱)

کسب فضائل و صفات مطلوب

و بنده قبل از دعا باید خویشتن را به صفات حمیده که موردپسند خداوند است آراسته سازد که اگر او فرشته‌صفت نگردد دعایش از لذت اجابت الهی محروم می‌گردد. اگر در دوری از رذائل اخلاقی، آداب شیطانی را از خود دور

می‌نماییم، در فضائل اخلاقی به آداب ملکوتی و نورانی ملبس گشته اخلاق فرشتگان را در خود متجلی می‌سازیم و به راستی انسانی حقیقی می‌شویم.

«از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»

اگر بنده به اطاعت اوامر الهی مشغول گردد از مقام قرب الهی برخوردار می‌شود و بنده مقرب جزء افرادی است که دست رد به دعاهايش نخواهد خورد. اینک ۲ روایت در این باب می‌آوریم:

۱- علی :

«دعاکننده بدون عمل [خیر] مانند تیرزننده‌ای است که کمانش زه نداشته باشد.» (مجلسی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۹۵)

۲- و باز از ایشان منقول است که:

خداوند متعال به عیسی بن مریم وحی کرد که به بنی اسرائیل بگوئید به خانه‌های من جز با دل پاک وارد نگردند، باید هنگام ورود دیدگان آنها خاشع باشند و دست‌ها از هر آلودگی پاک شوند و پاکیزه در آنجا قدم گذارند.

شما به آنها بگوئید در غیر این صورت من دعای هیچ یک از شما را قبول نمی‌کنم و

مورد اجابت قرار نمی‌دهم ... (مجلسی، ترجمه عطاردی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۷۷)

۵- نقش دعا در تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و کلام معصومین

تربیت اجتماعی در یک تعریف ساده می‌تواند به «مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی به منظور رشد سازگاری فرد با افراد دیگر جامعه از طریق آموزش صحیح رفتار کردن با دیگران» تعبیر شود.

اسلام نیز از تربیت اجتماعی افراد چشم‌پوشی نکرده است و بر رشد این بعد انسانی از بدو کودکی تا بزرگسالی اهتمام و تأکید فراوانی نموده است. البته در

اسلام سازگاری فرد با اجتماع - که مورد نظر تربیت اجتماعی است - به صورت نسبی مطرح است نه مطلق. به قول احمدی (۱۳۷۷: ۷۱-۷۰):

«در اسلام تربیت اجتماعی، به معنی سازگاری مطلق با خواستها و گرایشها و آداب و سنن جاری جامعه نیست، بلکه گاه هماهنگی و گاه مبارزه و گاه سکوت و هجرت از جامعه توصیه گردیده است.»

در کتب ادعیه، دعا‌های بسیاری درخصوص معاشرت و سلوک با دیگران از معصومین وارد شده است و در کتاب مقدس قرآن کریم نیز دعا‌هایی در تربیت اجتماعی از زبان پیامبران نقل شده است. موارد متعددی که در این خصوص در متون دینی مشاهده می‌کنیم، لزوم توجه به مسائل و مشکلات جامعه از طریق دعا و خواهش از درگاه الهی جهت حل آن‌ها را درمی‌یابیم.

البته ذکر این نکته لازم است که برای درمان دردهای جامعه نباید تنها به دعا بسنده نمود و از فعالیت‌های سازنده اجتماعی دست برداشت. همانطور که در سیره پیامبر و ائمه معصومین، ایشان را شیران روز (برای حل مشکلات جامعه) و زاهدان و دعاگویان خستگی‌ناپذیر شب (برای جامعه بشری) مشاهده می‌نماییم. در تربیت اجتماعی دعا، با توجه به آیات و روایات - دو جنبه مورد توجه بوده است:

۱- دعا برای غیر (ایثار و از خودگذشتگی دعا کننده) ۲- دعای همگانی (وحدت در دعا)

در ذیل به توضیح و شرح هر کدام پرداخته و از آیات و روایات امتثال می‌کنیم.

دعا برای غیر (ایثار و از خودگذشتگی دعا کننده)

معصومین بر توجه به غیر در دعا توجه ویژه‌ای نموده‌اند. این که آدمی اول

به دیگران و مشکلات ایشان بیندیشد و دعا کند و سپس حل مشکلات خویش را از خدا بخواهد نشان از روحیه ایثار و گذشت او دارد و اسلام بر این نحوه دعا کردن تأکید فراوان نموده و بر ارزش والای آن در پیشگاه الهی مهر تائید زده است. برای مثال:

رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«هر مردی که برای برادرش در نهان دعا کند خداوند متعال فرشته‌ای را وکیل می‌کند تا برای او دعا کند همانگونه که وی برای برادرش دعا کرده است.» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۳۱۱)

دعای همگانی (وحدت در دعا)

جنبه دوم در تربیت اجتماعی دعا، با هم دعا نمودن و در کنار یکدیگر به درگاه قادر بی‌نیاز رفتن است. در اینجا مثل معروف «یک دست صدا ندارد» را می‌توان به شایستگی به کار برد. خداوند شرم می‌کند دستان زیادی را که در کنار یکدیگر به سوی او دراز شده است ناامید برگرداند که دست لطف و اجابت او با جماعت دعاکننده است (یدالله مع الجماعة). دعای همگانی که از وحدت اجتماع حاصل می‌گردد از جمله بهترین اعمال بندگان است و در روایات مختلفی بر آن تأکید و اصرار شده است. وحدت در دعا سبب افزایش همدلی و دوستی در ارتباطات اجتماعی می‌شود و این همدلی و محبت سبب پیشرفت و رشد همه جانبه جامعه می‌گردد و اینگونه تعالی انسانها جنبه‌ای الهی و معنوی می‌گیرد.

امام صادق می‌فرماید:

«گرد هم نیایند سه مؤمن و بیشتر جز اینکه به شمار آنان فرشته همراه آنها گردد تا اگر دعای خیر کنند آمین گویند و اگر از شری پناه جویند آنها از خدا خواهند که

آن را از ایشان بگرداند و اگر خواستار حاجتی شوند فرشته‌ها واسطه گردند به درگاه خدا و برآوردنش را از او بخواهند.» (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۶۸)

۶- نقش دعا در تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن و کلام معصومین

در تربیت عاطفی به احساسات و عواطف انسان توجه می‌شود. احساسات و عواطف یکی از ابعاد مهم وجود انسان است که از روح او ناشی می‌شود. آدمی از دو جنبه «عشق» و «محبت»، و «تنفر» و «بی‌علاقگی» نسبت به چیزهای اطراف خود برخوردار است. به معنای دیگر دو جنبه «حب» و «بغض» از انسان موجودی ساخته است که نمی‌تواند نسبت به همه چیز دنیا بی‌تفاوت باشد. پس عواطف و احساسات بشر را در دو بخش حبّ (عشق و محبت) و بغض (تنفر و بی‌علاقگی) می‌توان تقسیم‌بندی نمود. در یک تعریف کلی می‌توانیم تربیت عاطفی را به «مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی به منظور رشد و توسعه احساسات فرد نسبت به خود و چیزهای خارج از خود براساس حبّ و بغض» تعبیر نمود.

اسلام از طریق دعا و راز و نیاز با خداوند به این جنبه از وجود انسان توجه خاصی نموده است. انسان با دعا قوای احساسی و عاطفی خویش را رشد داده موضع‌گیری دین را نسبت به جهان و جهانیان (خیر و شر) درونی می‌سازد. و اما عواطف و احساسات انسان در دعا بر چند قسم است:

ابراز احساسات نسبت به خدا

ابراز احساسات نسبت به خلق خدا (مخلوقات)

ابراز احساسات نسبت به خویش

در این قسمت به شرح و تفصیل هرکدام از موارد فوق پرداخته، شواهدی از آیات و روایات ذکر می‌نمائیم:

ابراز عشق نسبت به خدا

یکی از وظایف انسان دعا کننده مدح و ثنای الهی در ابتدای دعا می باشد. دعاگویی که به راز و نیاز با حضرت احدیت می پردازد و درجه عشق و علاقه خویش را به معبود و معشوق خود ابراز می کند مورد عنایت خاص خداوند قرار می گیرد. خداوند تنها وجودی است که لیاقت و شایستگی مدح و ثنا را دارد و بنده در هنگام دعا باید مانند موجودی دلسوخته از عمق جان و دل، احساسات خفته یک فرد کاملاً مضطر و گرفتار - اما امیدوار به لطف حضرت حق - را به نمایش بگذارد. قرآن کریم هم بر این نکته تکیه می کند که احساسات محبت آمیز فرد مضطر در لحظه دعا ارزش و توفیق توجه خداوند را دارا می باشد.

} { (نمل/۶۲)

«آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را برطرف می سازد.»

حال با این توضیحات، به نقش ابراز احساسات دعا کننده نسبت به خداوند در تربیت عاطفی از دیدگاه احادیث معصومین نظری می افکنیم:

یکی از مقدمات دعا مدح و ثنای الهی است و این تمجید و سپاس باید به بهترین وجه ممکن از طرف دعاکننده انجام شود. بر این امر در روایات متعددی تأکید شده است؛ مانند:

۱- ابن مغیره می گوید: از امام صادق شنیدم که:

«هرگز از خدا حاجتی برای دنیا و یا آخرت نخواهید مگر آنکه دعا را به مدح

و ثناء الهی آغاز نمائید.» (الطبرسی، ۱۳۶۵: ۱۳)

۲- از امام ششم :

«چون خواهی دعا کنی خداوند عزوجل را تمجید کن، و حمد گو و تسبیح نما، و تهلیل بگو و او را ثنا نما و بر نبی اکرم درود فرست و سپس دعا کن که خواسته‌ات برآورده شود.» (همان)

ابراز محبت نسبت به خلق خدا (مخلوقات)

منظور ما از خلق خدا در اینجا موجودات ذی‌شعور عالم یعنی بندگان خداوند است و بندگان خدا بر دو گروه می‌باشند:

الف - بندگان خاص الهی (} : { واقعه / ۱۱)

ب - بندگان عام

بنندگان خاص، کسانی هستند که به سبب اعمال سراسر نیکویشان در زندگی دارای بالاترین درجات در نزد حضرت احدیت می‌باشند و جانشینان حقیقی خداوند در روی زمین ایشانند و همانا آنان پیامبران و امامان هدی هستند. بندگان عام، سایر انسانها هستند که به حکم انسان بودن وظایف خاصی بر عهده دینداران نسبت به ایشان مترتب است. جالب است که برای هر دو دسته فوق‌الذکر دستوراتی در زمینه دعا وارد شده است که در استجابت دعا بسیار تأثیرگذار است.

دعا برای بندگان خاص الهی

بنندگان خاص الهی از آن‌چنان تقربی در نزد پروردگار برخوردار هستند که باید در دعا کردن یاد و نام آنان به عنوان واسطه فیض الهی لحاظ گردد. در روایات متعدد به ذکر درود و ثنا بر این ارواح مطهر در آغاز و اختتام دعا تأکید

شده است و دعای بدون سلام و صلوات بر این ذوات پاک مقبول و مورد اجابت واقع نمی‌شود.

به چند روایت در این باب توجه می‌نماییم:

۱- نبی مکرم اسلام :

«هرگاه حاجتی از خدا خواستید اول بر من صلوات فرستید، خدا کریم‌تر از این است که دو حاجت از او بخواهند یکی را مستجاب کند و دیگری را رد نماید (چون صلوات را مستجاب می‌کند). (مشکینی، ۱۳۸۲: ۳۱۷)

۲- علی :

«خداوند دعای شما را قبول می‌کند وقتی محمد را یاد کنید و برای او دعا نمائید و متوجه وظیفه خود نسبت به ایشان باشید.» (مجلسی، پیشین، ۸۸-۸۷)

۳- علی :

«هرکس صلوات بر پیامبر فرستد دعایش بلند شود.» (ص ۱۰۴)

دعای برای بندگان عام خدا

دعای بعضی افراد نسبت به افراد دیگر به خاطر شدت عواطف ایشان مستجاب است و شارع مقدس در این خصوص تأکید نموده که اینان از دعا کردن خودداری نورزند که دعای ایشان به هدف استجابت می‌رسد. ازجمله اینان، دعای رهبر عادل است نسبت به زیردستانش و دعای مظلوم است نسبت به کسانی که بر او ظلم روا داشته‌اند و نیز دعای پدر صالح بر فرزند خود و فرزند صالح بر پدر و مادر خود و...

از حضرت محمدباقر نقل است که فرمود:

پنج دعاست که از پروردگار متعال محجوب نماند: دعای امام عادل، [که درباره

پیروان خود دعا کند، دعای مظلوم، که خداوند عزوجل به وی می‌فرماید: قسم به عزت و جلالم که حق ترا خواهم گرفت گرچه بعد از مدتها باشد، و دعای فرزند صالح برای پدر و مادر و دعای پدر صالح در حق فرزندش، و دعایی که مؤمنی در غیبت مؤمنی برای او می‌کند که خداوند می‌فرماید: ای دعاکننده همین دعا برای تو نیز خواهد بود. (الطبرسی، پیشین، ص ۱۸)

پیغمبر فرمود:

«سه دعا بی‌شک مستجاب است: دعای پدر برای فرزند، دعای مظلوم، دعای مسافر.» (همان)

ابراز محبت نسبت به خویش

در قسم سوم، انسان در هنگام دعا حالت «رقت قلب» می‌یابد و البته این، از برترین حالات معنوی در بشر است و زمانی است که درهای رحمت الهی بر او باز می‌شود. رقت قلب آنچنان ارزشمند است که خداوند این حال را بدون لحظه‌ای درنگ از بنده می‌پذیرد و بر آن در نزد فرشتگان فخرفروشی می‌نماید. رقت قلب با ریزش اشک از دیدگان بنده توأم می‌شود و اوج احساسات بنده نسبت به خالق خود در اشک‌های او هویدا می‌گردد. انسانی که گناهان خویش را یادآور می‌شود و با یاد معاصی خود دلش به لرزه درمی‌آید تنها راه چاره را در توبه و بازگشت می‌بیند. او از خویش متنفر می‌گردد و به خاطر کردار زشت خود به عذرخواهی از کسی می‌پردازد که غفور است و با امید به فضل او به آرامش می‌رسد.

پس دعاکننده باید لحظات رقت قلب را پاس بدارد و از اعمالی که باعث قساوت قلب می‌شود شدیداً دوری نماید. او باید تمامی تلاش خود را بنماید که «حال دعا» بیاید. و این حال را با هر زبان و لسانی می‌تواند به خداوند ابراز کند.

از امام صادق نقل است که:

«هروقت پوست بر تنت جمع شد و اشکت روان و دلت لرزان گردید آن حال را بگیر و از دست مده که حاجتت موردتوجه حق قرار گرفته است.» (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۹۲)

پس، «رقت قلب» و در پی آن «حال دعا» با سه تغییر در انسان اتفاق می‌افتد:

۱. جمع شدن پوست بر تن ۲. جاری شدن اشک ۳. لرزان شدن دل

یک روایت در تربیت عاطفی از ابعاد سه‌گانه

در اینجا حدیثی را از زبان امام صادق ذکر می‌کنیم که سه نوع از ابراز احساسات و عواطف در دعا (نسبت به خدا، رسول و خویش) در آن بیان شده است: یکی از اصحاب امام ششم از ایشان پرسید: «شرایط و جهات دعا برای استجاب چیست؟» ایشان در پاسخ فرمودند:

«اول خدا را حمد کنی و بعد نعمت‌هایش را متذکر شوی و شکر آن‌ها را بجای آری بعد بر پیغمبر درود فرستی، بعد گناهانت را به یاد آری، و به آنها اقرار نمائی و از آنها استغفار کنی، اینها شرایط و جهات دعا است.» (الطبرسی، پیشین، ص ۲۰)

۷- نقش دعا در تربیت جسمانی از دیدگاه قرآن و کلام معصومین چیست؟

تربیت جسمانی از اهم مسائلی است که دستگاه تعلیم و تربیت هر جامعه باید به آن توجه ویژه‌ای کند. در جامعه دینی نیز که تمامی دستگاه‌های قانون‌گزار و اجرایی آن برگرفته از متن دین است به دلیل توجه خاص شارع مقدس بر این وجه از تربیت باید بر رشد و گسترش تربیت جسمانی اهتمام وافری بنماید.

برای تربیت جسمانی می‌توانیم تعریف زیر را ارائه دهیم:

«به مجموعه فعالیت‌های تربیتی که باعث سلامتی فرد یا پیشگیری و درمان بیماری‌های وی شود تربیت جسمانی گفته می‌شود.»

اگر به تاریخ نگاهی بیندازیم درمی‌یابیم که بشر برای غلبه بر بیماری‌ها و رنج‌های جسمانی خویش تنها دو راه در پیش رو داشته است: (محمودی، ۱۳۸۴)

الف - روش مادی؛ از طریق دارو و درخواست از طبیبان مانند گیاه‌درمانی، داروهای شیمیایی و...

ب - روش معنوی؛ از طریق دعا و نیایش به درگاه خداوند (دعا درمانی یا ایمان درمانی)

با نظری به متون دینی اسلام مشاهده می‌کنیم که در هر دو زمینه فوق دستورات مختلفی از معصومین رسیده است و یکی از علل مهم پیشرفت پزشکی (علم طب) در بین مسلمین (خصوصاً طب گیاهی) ناشی از بذل توجهی بوده که پیشوایان اسلام بر روش مادی درمان قائل بوده‌اند و البته به نقش دعا درمانی در کنار دارو و درمان ظاهری نیز عنایتی ویژه داشته‌اند.

چون این پژوهش در باب دعا و آثار تربیتی آن می‌باشد ما فقط روش معنوی درمان بیماری‌ها و آلام بشری (دعا درمانی) را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

دعا درمانی در آیات و روایات

قرآن کریم به نقش دعا، ایمان و ذکر الهی در آرامش و دوری از اضطراب تأکید فراوان دارد. کسی که رو به خداوند می‌آورد به امنیت روانی می‌رسد و این احساس، جسم و جان او را جلا می‌دهد.

{ }

(رعد/۲۸)

«آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا، مطمئن و آرام است؛ آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست.»
آیه فوق را باید در کنار آیه ۲۷ همان سوره بررسی کنیم. در آن آیه خداوند از هدایت آنانی سخن می‌گوید که به درگاه او تضرع و انابه می‌کنند و در آیه ۲۸ صفت آرامش را زینت‌بخش آنان می‌داند. آری، آرامش و دوری از اضطراب مخصوص کسانی است که:

اولاً - ایمان آورده‌اند.

ثانیاً - به دعا و تضرع پناه برده‌اند.

ثالثاً - در ذکر و یاد خدا غوطه‌ورند.

نکته مهم آن‌که اضطراب منبعث از درماندگی و اضطراب انسان است و دعادرمانی در فرد مضطرب، او را از اضطراب دور می‌نماید. انسان مضطرب، مضطرب می‌گردد و اگر اضطراب را از وی بگیریم، اضطرابش نیز درمان می‌یابد. به همین جهت خداوند (سوره نمل/۶۲) فرموده است:

{ }

«آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطرب را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد.»

و در ادامه پاسخ سوال فوق را با سؤالی که علامت تعجب هم در آن وجود دارد می‌دهد:

{ } : «آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست؟»

و این‌گونه خداوند عقول خفته مردمان را بیدار می‌سازد که کلید رنج‌ها و

اضطراب‌های خود را در خداوند و یاد و نام او جستجو کنید و با مدد گرفتن از دعا و راز و نیاز با او، بیماری‌های جسمی و روحی خویش را درمان نمایید.

پیشینه دعادرمانی در قرآن

دعا درمانی از آغاز خلقت انسان بر زمین از طرف پیامبران الهی مطرح و جزء آموزش‌های ایشان بوده است. این مردان بزرگ که هر لحظه با خداوند پیوندی ناگسستنی توسط دعا و نیایش داشته‌اند هم برای خود و هم برای دیگران شفای بیماری‌ها را خواسته‌اند. برای مثال:

۱- بیماری سخت حضرت ایوب و درخواست شفا (انبیا / ۸۳ و ۸۴).

۲- دعادرمانی حضرت زکریا (مریم / آیات ۶-۳)

۳- دعا درمانی یوسف برای یعقوب پیامبر (یوسف / ۹۳)

۴- دعا درمانی حضرت عیسی (آل عمران / ۴۹)

پیشینه دعادرمانی در اسلام

درمان بیماری‌ها از طریق دعا و نیایش در تاریخ اسلام و شیعه به وفور یافت می‌شود. پیامبر و امامان معصوم در رفع دردها و آلام روحی و جسمی خود و اصحاب خود در موارد زیادی از این ابزار کارآمد یاری گرفته‌اند. در ذیل به برخی نمونه‌ها اشاره می‌کنیم:

در کتاب شریف احتجاج مرحوم طبرسی (ترجمه جعفری، ۱۳۸۱: ج ۱، صص ۴۹۸-۴۹۷) از امام علی نقل شده است که:

روزی رسول خدا در بین اصحاب خود نشسته بود و سراغ مردی از یارانش را

گرفت، گفتند: ای رسول خدا، او از شدت بلا و گرفتاری مانند جوجه بی‌پر شده،

با شنیدن این سخن آن حضرت بر بالین او آمده و فرمود: آیا برای سلامتی خودت دعایی به درگاه خداوند نموده‌ای؟ گفت: آری، اینگونه دعا کردم که: «ای پروردگارم مرا به هر عقوبتی که می‌خواهی در آخرت مبتلا نمایی همان را برای من در دنیا قرار بده»، رسول خدا فرمود: چرا اینگونه دعا نکردی که: «پروردگارا در دنیا و آخرت به من حسنه‌ای عطا فرما و از آتش دوزخ مرا برهان»، و چون اینگونه دعا نمود فی‌الفور از بند بیماری رها گشت و صحیح و سالم برخاسته و با ما خارج شد.

در باب دعادرمانی روایات متعددی از معصومین رسیده است که از ذکر آن‌ها خودداری می‌نمائیم. اما تذکر این مطلب را لازم می‌دانیم که روش دعادرمانی نافی درمان مادی و دارویی نیست بلکه دعادرمانی در جایی بیشتر کاربرد دارد که پزشکی و روش‌های درمان طبیعی کارکرد و اثر خود را از دست داده است. البته باید اذعان نمود که دعا انسان را از مراجعه به پزشک بی‌نیاز نمی‌کند اما بدون یاری از دعا نیز نمی‌توان به دارو و درمان امیدی بست.

نتیجه

و اما نتایج حاصل از مباحث مطروحه در این مقاله را به ترتیب ذیل بیان می‌کنیم:

دعا، همان عبادت و برترین نوع عبادت است.
حقیقت دعا در هماهنگی تمامی اعضاء و جوارح داعی در طلب حاجت از پروردگار است.
دعا در قرآن در معانی مختلفی آمده است، اما محور همه این معانی در «خواندن همراه با خواست و طلب» می‌باشد.

خداوند کسانی را که از دعا و عبادت او اعراض نمایند و این ضروری‌ترین اعمال دین را نادیده بگیرند به آتش دوزخ بشارت داده است.

ضرورت دعا را در آثار مادی و معنوی آن باید جستجو کرد. آثاری چون؛ درمان دردها، کلید رحمت الهی، برآمدن حاجات، گشایش درهای بهشت، بسته شدن ابواب جهنم، تقرب الهی، کلید رهایی از مشکلات، سبب رستگاری و فلاح، بهترین سلاح (برای تهاجم و دفاع) و...

مراتب دعا به چهار قسم رتبه‌بندی می‌شود:

الف- رفع حوائج مادی (دستیابی به نعم الهی) ب- دفع مشکلات و بلاهای دنیوی ج- دفع عذابهای اخروی (مغفرت و آمرزش الهی) د- اجابت نیاز فطری درونی انسان به محبوب

- تربیت اخلاقی دعا را در سه جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الف- شرم از حضرت حق (شرم حضور) ب- دوری از رذائل و صفات ناپسند اخلاقی ج- کسب فضائل و صفات مطلوب اخلاقی
دعاکننده در تربیت اجتماعی دعا دو جنبه را باید مورد توجه قرار بدهد:
الف- دعا برای غیر (ایثار و ازخودگذشتگی دعاکننده) ب- دعای همگانی (وحدت در دعا)

عواطف و احساسات انسان در دعا بر چند قسم است:

الف- ابراز احساسات نسبت به خداوند ب- ابراز احساسات نسبت به خلق خدا (مخلوقات) ج- ابراز احساسات نسبت به خویش
- دعا درمانی شیوه متداولی است که دین‌داران در مواقعی که بیماری‌های مختلف خصوصاً امراض صعب‌العلاج به سراغ ایشان می‌آید از آن بهره می‌برند.

– آیات و روایات مختلفی در خصوص تأثیرات مثبت دعا در آرامش بخشی و دوری از بیماری استرس و اضطراب در انسان وجود دارد. به سخن دیگر؛ دعا بهترین روش برای درمان اضطراب و اضطراب در آدمی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. افضل العبادۃ الدعاء.
۲. قال الصادق : فان الدعاء هو العبادۃ (مجلسی، ۱۳۸۲: ج ۹۳، ص ۳۰۰)

کتابنامه

۱. قرآن مجید.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۵). آیین بندگی و نیایش (عده الداعی). ترجمه حسین غفاری. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳. احمدی، حسین. (۱۳۷۷). دعا و تربیت. تهران: تزکیه.
۴. اسماعیلی، علی و بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۲). آمار و روش تحقیق. تهران: سنجش.
۵. الطبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق. ترجمه سیدابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی.
۶. برازش، علیرضا. (۱۳۷۴). قرآن صاعد. تهران: امیرکبیر.
۷. بهشتی، سعید. (۱۳۸۶). آیین خردپروری (پژوهشی در نظام تربیت عقلانی، بر مبنای سخنان امام علی). تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۱). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. ترجمه مصطفی درایتی. مشهد: ضریح آفتاب.
۹. جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۹). سه شاعر (سعدی، حافظ، نظامی). تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: اسراء.

۱۱. حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۳۷۸). کلیات حدیث قدسی (جواهرالسنیه). ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی. تهران: دهقان.
۱۲. حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۷۹). معارف و معاریف: دائره المعارف جامع اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۱۳. خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان [و] ناهید.
۱۴. داودی، محمد (۱۳۸۷). سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (جلد سوم: تربیت اخلاقی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۱). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۱). روش های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۰). روان شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
۱۸. صدوق. محمد بن علی. (بی تا). خصال. ترجمه سیداحمد فهری زنجانی. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
۱۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (بی تا). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، احمدبن علی. (۱۳۸۱). احتجاج. ترجمه بهراد جعفری. تهران: اسلامیه.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۴). مشکوه الانوار. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: عطارد.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ هـ. ق). زندگانی چهارده معصوم (اعلام الوری بأعلام الهدی). ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: اسلامیه.
۲۳. قمی، حاج شیخ عباس. (۱۳۸۲). کلیات مفاتیح الجنان. مشهد: هاتف
۲۴. مجلسی، محمد بن باقر. (۱۳۶۴). آداب معاشرت (جلد شانزدهم بحار الانوار). ترجمه محمدباقر کمره ای. تهران: اسلامیه.
۲۵. _____ . (۱۳۸۲). بحار الانوار. ج ۹۳. چاپ چهارم. انتشارات کتابچی
۲۶. _____ . (بی تا). بحار الانوار. ج ۱۲. دارالکتب الاسلامیه

۲۷. _____ . (۱۳۷۸). ایمان و کفر (ترجمه الایمان و الکفر بحارالانوار). ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: عطارد.
۲۸. _____ . (۱۳۷۹). احتجاجات (جلد چهارم بحارالانوار). ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامیة.
۲۹. محمودی، مالک. (۱۳۸۴). دعامانی. قم: انتشارات طواف.
۳۰. مشکینی (آیت الله). (۱۳۷۶). درس های اخلاق. ترجمه علیرضا فیض. قم: مترجم.
۳۱. _____ . (۱۳۸۲). نصایح (سخنان چهارده معصوم). ترجمه احمد جنتی. قم: الهادی.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران. (۱۳۷۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. ملکی تبریزی، جواد. (۱۳۸۰). المراقبات فی اعمال السنه. ترجمه ابراهیم محدث. قم: نشر اخلاق.
۳۴. ملکی تبریزی، جواد. (۱۳۶۲). چه باید کرد؟ (ترجمه و تنظیمی ویژه از «المراقبات اعمال السنه»). ترجمه محمد تحریرچی. (بی جا): رسالت قلم.
۳۵. موسوی خمینی [امام]، روح الله. (۱۳۷۶). شرح دعای سحر. ترجمه سیداحمد فهری. تهران: فیض کاشانی.
۳۶. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۸). مثنوی معنوی (بر اساس نسخه قونیه). (عبدالکریم سروش، مصحح). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. (۱۳۸۲). مصباح الشریعه (از کلمات امام ششم حضرت صادق). ترجمه حسن مصطفوی. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۸. نرم افزار «گنجینه روایات نور، جامع احادیث اهل بیت». قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی